

سه کالبد بودا^۱

مریم السادات نوابی^۲

استادیار گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان، کاشان، ایران

چکیده

مکتب مهیایانه بودایی فرضیه تری-کایه یا سه کالبد بودا را در توضیح ماهیت بودا ارائه می‌دهد. بنا بر این فرضیه، بودا دارای سه کالبد می‌باشد که هر کدام در یک مرتبه‌ای از تجلی قرار دارد. مهم‌ترین کالبد بودا، کالبد دهرمه می‌باشد که در حقیقت اساس ماهیت همه اشیاء است و انسان در عالی‌ترین سطح از معرفت می‌تواند به این کالبد دست یابد. هر کدام از دو مکتب مهم مهیایانه براساس اصول فلسفی خود تفسیر خاصی از دهرمه - کایه دارند. سمبهوگا-کایه، دومین کالبد، جایگاهش در آسمان است و تنها بودی‌ستوه‌ها از آن بهره‌مند می‌باشند. این کالبد بودا در مرتبه پایین‌تر از کالبد دهرمه او می‌باشد. کالبد سوم بودا نیرمانه-کایه است که بودا به واسطه آن خود را به کسانی که دارای درجه پایین‌تری از معرفت هستند متجلی می‌سازد. در نتیجه، بر اساس اعتقادات مکتب مهیایانه، بودا نه تنها خود را به صورت شاکیه‌مونی؛ بلکه به صورت‌های مختلف متجلی می‌سازد.

کلیدواژه‌ها

تری-کایه، دهرمه-کایه، سمبهوگا-کایه، نیرمانه-کایه، بودا، تنهاگته-گرهه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۴

۲. پست الکترونیک: navvabim@yahoo.com

طرح مسئله

یکی از مباحث خاص مکتب مهاییانه بودایی اصل اعتقادی سه کالبد یا تری-کایه بودا می‌باشد. این آموزه نه تنها آئین بودا را از آئین‌ها و ادیان دیگر؛ بلکه مکتب مهاییانه را از دیگر مکتب مهم این آئین یعنی تهرواده جدا می‌سازد. اساس این آموزه در مورد شخصیت بودا است. پس از مرگ بودا برای بعضی از پیروان او این سؤال مطرح شد که آیا او انسانی با ماهیتی همچون دیگر انسان‌ها بود و یا این که او ماهیتی متمایز از دیگران داشت؟ البته این سؤال برای گروهی از پیروان او که خود را تابع سنت اولیه بودایی و پیرو تعالیم او می‌دانستند بی‌معنا بود. از نظر آنها بودا انسانی همانند دیگر انسان‌ها بود، با این تفاوت که او توانست راه رسیدن به اشراق را کشف کند و به دیگران آموزش دهد و سپس به نیروانا برود. اما گروه دیگر که خود را پیروان مهاییانه خواندند، این دیدگاه را نپذیرفتند و با بحث بر روی این موضوع و تفحص در تعالیم بودا نهایتاً موضوع سه کالبد بودا را مطرح کردند. این آموزه با گذشت زمان و به واسطهٔ متفکران فرهیختهٔ این مکتب تکامل یافت و به صورتی که امروزه در سوتراهای مهاییانه و تفاسیر آنها می‌بینیم گسترش یافت.

موضوع سه کالبد بودا زمانی جالب و قابل توجه می‌شود که از مفهوم اولیهٔ خود به مفهوم ماوراء طبیعی متأخر منتقل می‌شود. در میان سه کالبد بودا، کالبد دهرمه (کالبد ذات یا قانون) او از همه مهم‌تر و قابل بحث‌تر می‌باشد و مرز واقعی میان مکتب مهاییانه و تهرواده، در اصل، در این کالبد از بودا نهفته است. اما دو کالبد دیگر بودا، هر چند متفکران مهاییانه از آن تفسیر جدیدی ارائه کردند و آن را تجلی دهرمه-کایه دانستند، با این حال سنت اولیهٔ بودا با مفهوم آن بیگانه نبوده است.

پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که چگونه بودا در گذر زمان مفهوم ماوراء طبیعی پیدا کرد؟ سه کالبد بودا چگونه با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند و چگونه مکتب مهاییانه بودایی توانست با آموزهٔ سه کالبد خود را به ادیانی که قائل به یک امر الوهی و ماوراء طبیعی بودند نزدیک کند؟

در این مقاله سعی شده است که آموزهٔ سه کالبد بودا با توجه به نظریات محققان بزرگ این آئین مانند د.ت. سوزوکی، راداکریشنان، ادوارد کنزه، پل ویلیامز و... مورد بررسی قرار گیرد.

سه کالبد^۱

یکی از مباحث شاخص در مکتب مه‌ایانه^۲ بودایی بحث از سه کالبد بودا می‌باشد. این بحث در تاریخ خود همیشه به یک صورت عنوان نشده و با گذشت زمان و در مکاتب مختلف منسوب به مه‌ایانه به صورت‌های گوناگونی مطرح شده است. اصل اعتقادی سه کالبد اساساً به دنبال توضیح ماهیت بودا می‌باشد. از آنجا که فلسفه بودایی مه‌ایانه با مسائلی مانند مطلق یا نسبی بودن و نیز مسائلی مانند یک بودا یا چند بودا مواجه بود، متفکران این مکتب راه حل پاسخ به این مسائل را در اصل اعتقادی سه کالبد یافتند.^۳ سوزوکی در مورد تاریخ این دیدگاه می‌نویسد: «در حال حاضر ما هیچ مدرکی تاریخی نداریم که چگونه آموزه اولیه سه کالبد یا تثلیث بودایی در میان پیروان مه‌ایانه و متون آنها راه پیدا کرد. تا جایی که می‌دانیم آشوه گهوشه^۴ این مفهوم را در رساله‌ای به نام بحثی در بیداری ایمان در آئین مه‌ایانه^۵ حدود یک قرن قبل از میلاد آورد. این اثر به قول اشوه گهوشه ترکیبی از اعتقادات مه‌ایانه می‌باشد که صورت‌های اصلی تعالیم بودا در سوتراها را ارائه می‌دهد.^۶ البته تحقیقات نشان می‌دهد که این تعلیم ریشه در مکتب تهرواده^۷ بودایی دارد. در تهراوده نیز هر چند به مفهومی متفاوت، از بدن جسم، بدن ذهن و بدن درمه بودا سخن گفته شده است؛^۸ اما سنت متأخر مه‌ایانه با تبدیل کردن آن به یک اصل مابعدالطبیعی و کیهان‌شناختی و به دنبال آن فراهم کردن راهی برای نجات همه انسان‌ها به این مفهوم اهمیتی محوری بخشید. تحقیقات نشان می‌دهد که سروسستی‌و‌ادین‌ها^۹ پس از مرگ بودا برای اولین بار به تفسیر ماوراء طبیعی از آموزه سه کالبد پرداختند^{۱۰} و پس از آن این بحث توسط مکاتب

1. Tri-kāya

2. Mahāyāna

3. Parrinder, Geoffrey, "Triads", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.) New York, 1987, vol.15, p.14.

4. Aṣṣvaghōṣa

5. Discourse on the Awakening of Faith in Mahāyāna

6. Suzuki D. T., *Outline of Mahayana Buddhism*, Munshiram Manoharlal, 2000, p.246.

7. Tehravāda

8. Gi. T. And F. E. R., "Buddhism", *The New Encyclopedia Britanica*, Jacob Safra(ed.), Chicago, London, 1768, vol. 5, p.284.

9. Sarvastivādins

10. Prebish, Charless and Keown, Damien, *Introduction to Buddhism*, Routledge, New York and London, 2006, p.270.

مهایانه گسترش یافت. با بررسی مفهوم سه کالبد بودا در میان دو مکتب مهاییانه یعنی مادهیامیکه^۱ و یوگاچاره^۲ متوجه می‌شویم که این مفهوم در سوتراهای منسوب به یوگاچاره گسترش یافته و توسط محققان این مکتب به طور کامل ارائه شده است که این نشان از بوداشناسی پیشرفته در مکتب مهاییانه می‌باشد. در اوتمسکه‌سوتره^۳ از ده کالبد بودا و ویژگی‌های آن سخن رفته است که شاید اولین الگوی فرضیه سه کالبد بودا باشد. محققان، این ده کالبد را مطابق با سه کالبد مکتب یوگاچاره تفسیر کرده‌اند^۴ مفهوم سه کالبد بودا ابتدا در سوترهٔ لنکاوتاره^۵ که یکی از متون منسوب به یوگاچاره می‌باشد آمده است، هرچند که بنا به گفتهٔ پل هاریسون^۶ در سوتره‌های مهاییانه مانند لنکاوتاره و پرچنا پارمیتا^۷، ایدهٔ سه کالبد مفهوم متافیزیکی و کیهانی ندارد.^۸ سوزوکی عقیده دارد که لنکاوتاره گامی به سوی نظام‌مند ساختن مفهوم سه کالبد بودا می‌باشد.

اساساً مفهوم سه کالبد راه را برای بودا شدن که یکی از مفاهیم اساسی مکتب مهاییانه است باز می‌کند. این سه کالبد، سه مرتبهٔ تجلی از یک حقیقت واحد می‌باشد که اساساً متمایز از یکدیگر نیستند و تنها به جهت سطح شناخت و معرفت انسان‌ها به صورتی خاص متجلی می‌شوند. دهرمه-کایه همان حقیقت نهایی است که مافوق هر گونه تصور است و تنها کسانی که به اشراق و بوداشدگی دست یافته‌اند می‌توانند نسبت به آن معرفت پیدا کنند. سمبهوگا-کایه بدن لذت یا سعادت است و کسانی که به مرتبهٔ بودهی ستوه^۹ رسیده‌اند از این کالبد بهره‌مند می‌باشند. این کالبد با ویژگی‌هایی که ذکر خواهد شد، تعالیم بودا را برای بودهی ستوه‌ها که در سرزمین پاک هستند موعظه می‌کند. نیرمانه-کایه بدن خیالی یا استحالیه یافته بوداست که بودا به واسطهٔ آن به صورت بودای زمینی که همان بودا شاکیه‌مونی^{۱۰}

1. Madhyāṃika
2. Yogačāra
3. Avatamsaka
4. Xing, Guang, *The Concept of Buddha*, Routledge Corzon, 2005, p.152.
5. Lankāvatāra
6. Paul Harrison
7. Prajñāpāramitā
8. Williams, Paul, *Mahāyāna Buddhism*, Routledge, London & New York, 2009, p.176.
9. Bodhisattva
10. Śakyāṃuni

است تجسم یافت و تعالیم بودایی را برای کسانی که از معرفت کمتری بهره داشته و به دلیل جهل، از حقیقت غافل بودند، آموزش داد.

مفسران مکتب یوگاچاره، به ارتباط سه کالبد با درجات معرفت تأکید کرده‌اند. یوگاچارین‌ها ذات دهرمه-کایه را معرفت دانسته و آن را به نوری تشبیه می‌کنند که دائماً ساطع می‌گردد و در اثر فیضان نور معرفت، دو کالبد دیگر بودا متجلی می‌شوند. بنابراین، از آن جا که معرفت، جوهر ذاتی هر سه کالبد است، به لحاظ ماهیت آنها یکی هستند و تنها تفاوت به مرتبه آنها باز می‌گردد. گاهی سه کالبد بودا با سه حالت از ذهن انسان ارتباط داده شده است. بر طبق این تفسیر، هر گاه ذهن انسان از معرفت کامل برخوردار است، دهرمه-کایه و زمانی که نور معرفت، تاریکی جهل را از ذهن کنار می‌زند، سمبهوگا-کایه ذهن نامیده می‌شود. نیرمانه-کایه ذهن زمانی است که ذهن از بدی‌ها میل به خوبی‌ها پیدا می‌کند.^۱ راداکریشنان آموزه سه کالبد را برای افراد انسانی هم به کار می‌برد. از دیدگاه او دهرمه-کایه با حقیقت ذاتی وجود انسان و سمبهوگا-کایه با روح فردی انسان یکی می‌باشد؛ در حالی که آلودگی ذهن را که در همه انسان‌ها موجود است می‌توان برابر نیرمانه-کایه قرار داد.^۲

اصل اعتقادی سه کالبد از جانب محققان با تثلیث‌های مشابه آن به خصوص تثلیث در مسحیت مقایسه شده است. با مطالعه این مقایسه‌ها به یک نتیجه کلی می‌توان دست یافت و آن این که گذشته از تمام تشابهات و اختلاف‌هایی که میان آنها وجود دارد، یک چیز غیر قابل انکار است و آن این که اصلی که این تثلیث‌ها را به هم نزدیک می‌کند میل به نجات است.

آموزه سه کالبد مهاییانه با بسیاری از مفاهیم کلیدی دیگر این مکتب مانند نیروانا، بوداشدگی، تنهاگته گربهه^۳، پوچی^۴ و چنینی^۵ ارتباط پیدا می‌کند. در ادامه سعی شده است ارتباط این مفاهیم با سه کالبد بودا تا حد امکان بیان شود.

-
1. Hampreys, Christmas, *The Wisdom of Buddhism*, Curzon, 1990, pp.33- 34.
 2. Radhakrishnan S. *Indian Philosophy*, New York & London, 1958, vol.1, p.599.
 3. Tathāgata-garbaha
 4. Śūnyatā
 5. suchness

کالبد قانون (دهرمه-کایه)

معنای لغوی دهرمه-کایه

بهبتر است پیش از آن که به مباحث مرتبط با این کالبد بپردازیم، معنای لغوی دهرمه-کایه را با توجه به نظرات محققان مورد بررسی قرار دهیم. دهرمه *Dharma* در زبان‌های پالی و سانسکریت معانی متعددی دارد. سوزوکی در مورد ریشه و معنای این لفظ می‌نویسد: «دهرمه یک لغت پرمعنا است و معانی زیادی را در بردارد. این کلمه از ریشهٔ *Dhr* به معنای نگه داشتن، انجام دادن و حمل کردن است. معنای اولیهٔ دهرمه به معنای آنچه که حمل می‌کند، انجام می‌دهد و یا نگه می‌دارد، به معنای آن چیزی است که «جریان اشیاء را تنظیم می‌کند»... معادل انگلیسی که توسط محققان شرقی برای دهرمه استفاده می‌شود «قانون یا اصل اعتقادی» است. این معنا تا جایی که مربوط به متون پالی می‌شود درست است؛ اما وقتی می‌خواهیم این تفسیر را برای اصطلاحات مهاییانه مانند: دهرمه دهاتوا، دهرمه لکشه^۳، دهرمه لوکه^۳، و غیره به کار ببریم وضع چندان روشن نیست و نمی‌دانیم که چه معنایی باید برای این اصطلاح در نظر بگیریم. در ادبیات مهاییانه قطعاً وجود دارد که کل معنای آن بستگی به این امر دارد که ما چگونه لغت دهرمه را معنا کنیم. دهرمه در این متون در مواردی به معنای «چیز»، «جوهر»، «وجود» یا «حقیقت» می‌باشد.^۴ به همین جهت گفته شده یکی از دلایلی که محققان غربی نمی‌توانند متون مهاییانه را خوب بفهمند این است که آنها به معنای دهرمه در آن متون آگاهی ندارند؛ زیرا به قول ماکس مولر اگر دهرمه همیشه به معنای قانون گرفته شود کل ادبیات مهاییانه غیر قابل درک می‌شود.^۵ با این حال اصطلاح دهرمه-کایه در بسیاری از کتبی که به این بحث پرداخته‌اند به معنای کالبد قانون آمده است.

کلمهٔ کایه *Kāya* که معادل انگلیسی آن *Body* می‌باشد، در بسیاری از متون به کالبد و بدن ترجمه می‌شود. بنا بر نظر بودها گهوشه^۶ مفسر مکتب تهرواده در قرن پنجم میلادی

1. Dharmadhātu
2. Dharmalakṣa
3. Dharmaloka
4. Suzuki, *Outline of Mahayna Buddhism*, p.221.
5. *Ibid*, p.222.
6. Buddha -Ghoṣa

این کلمه به ویژه می‌تواند برای بدن یا گروه به کار رود و بنابراین کایه در مورد بودا می‌تواند به بدن واقعی (جسمانی) یا به هر گروه و مجموعه‌ای که مربوط به بودا می‌شود اشاره کند.^۱ سوزوکی علاوه بر بدن، کایه را به معنای نظام هستی نیز ترجمه می‌کند.^۲

مفهوم دهرمه-کایه در مکاتب بودایی

دهرمه-کایه در متون متأخر مهاییانه و توسط متفکرانی مانند ناگارجونه^۳ و اسنگه به عنوان اصلی ماوراء طبیعی و کیهانی قلمداد شده که اساس، ذات و حقیقت همه هستی می‌باشد. اما باید گفت که آن گونه که تحقیقات نشان می‌دهد این اصطلاح تنها متعلق به ادبیات مهاییانه نیست و همچنین همیشه به معنای متافیزیکی، آن گونه که در دوره تکامل مکتب مهاییانه به کار رفته، نبوده است.

برای مثال، در دیگهه نیکایه^۴ از بودا به عنوان کسی که دارای بدن متولد شده از دهرمه است یاد شده است^۵ و در بعضی از متون پالی، از دهرمه-کایه به معنای بدن تعلیم بودا، یعنی تعالیمی که او از خود به جای گذاشته اشاره شده است.^۶ البته قابل ذکر است که در ادبیات اولیه مهاییانه نیز دهرمه-کایه به معنای همان بدن تعلیم بودا می‌باشد و همان گونه که ذکر شد حتی در ادبیات متأخر مهاییانه مانند سوتره‌های لنکاوتاره و پرجنا پارمیتا، دهرمه-کایه هنوز معنای متافیزیکی پیدا نکرده است. شاید علت این که دهرمه به معنای تعلیم و آموزه گرفته می‌شود این است که گفته می‌شود بودا از زمانی که آماده ورود به نیروانا بود به شاگردانش دستور داد به دهرمه یا تعلیم او احترام گذارند، همان گونه که به خود او احترام می‌گذارند. در مکتب سرواستی واده که از سنت‌های متأخر هینه یانه است، دهرمه-کایه به ویژگی‌هایی اشاره می‌کند که به واسطه آنها یک بودا از غیر بودا متمایز می‌شود. این کیفیات و ویژگی‌ها همان دهرمه‌هایی هستند که دریک بودا وجود دارد. بنابراین می‌توان

1. Ibid.

2. Ibid, p.45.

3. Nagārjūna

۴. Digha- Nikāya

5. Reynolds, Frank E. And Hallisey, Charles, "Buddhahood", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987, vol.2, p.1069.

6. Thomas, Edward J., *The History of Buddhist Thought*, Mineola, New York, 1869, p.225.

نتیجه گرفت که در متون اولیهٔ بودایی دهرمه-کایه بودا یا به معنای تعالیمی است که بواسطه آن اشراق مهیا می‌شود و یا به معنای کیفیاتی است که به کامل‌ترین وجه در بودا وجود دارد. مطابق با سنت سرواستی‌وادین‌ها این صفات شامل ده نیروی آگاهی نافذ، چهار نوع بی‌باکی و سه اصل توجه و همدردی نسبت به دیگران می‌باشد. از دیدگاه این سنت، اصل پناه گرفتن در دهرمه که در متون پالی به آن اشاره شده، به معنای پناه گرفتن در صفات بودا که به عنوان بدن دهرمه اوست می‌باشد.^۱ با این حال تحقیقات نشان می‌دهد که در سنت سرواستی‌وادین‌ها برای اولین بار دهرمه-کایه به معنای بوداشدگی نیز بکار رفته است.^۲ این، بدان معنی است که سرواستی‌وادین‌ها از مفهوم اولیهٔ دهرمه-کایه که به معنای بدن تعلیم بودا است گذر کردند و به مفهوم مهاییانه‌ای آن نزدیک شدند.

مفهوم هستی‌شناسانه دهرمه-کایه مربوط به سنت‌های متأخر مهاییانه بخصوص یوگاچاره و وجره‌یانه^۳ می‌باشد؛ هر چند که چرباتسکی مکتب سوترانتیکه^۴ تهروده را نیز بیگانه با این مفهوم نمی‌داند.^۵

بنابر تعالیم این سنت‌ها، دهرمه-کایه واقعیتی است که منشا تمام واقعیت‌های دیگر قرار می‌گیرد و بر همین اساس می‌توان گفت که دهرمه-کایه اساس دو بدن دیگر نیز می‌باشد. در بسیاری از سوترهای مهاییانه مانند مهاپری نیروانه^۶ و اوتمسکه سوتره، دهرمه-کایه ذات و جوهر همهٔ موجودات است.^۷ به همین جهت هر موجودی شایستگی بودا شدن را دارد و از آنجا که دهرمه-کایه ذات و اساس همهٔ موجودات است، یکی از القاب آن سوابهاویکه^۸ به معنای ذات و اساس می‌باشد. برخی از صفاتی که در این سوتره‌ها برای

1. Williams, Paul, *Mahāyāna Buddhism*, p.175.

۲. Reynolds, Frank E. And Hallisey, Charles, "Buddhahood", p.1069.

۳. Vajrayāna

۴. Sautrāntika

۵. Stcherbatsky T. H., *The Conception of Buddhism Nirvana*, Delhi, 1977, p.34.

۶. Mahāparinirvāna

۷. Thurman, Robert A.F., "Tathāgata-Garbha", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1987, vol.14, p.355.

۸. svābhāvika

دهرمه-کایه ذکر شده عبارتند از: غیر قابل درک، نامتغیر، شاد، آزاد و رها.^۱ چنین صفاتی باعث شد که در مکتب یوگا چاره، دهرمه-کایه با چینی یکی پنداشته شود. با توجه به این که در سنت متأخر مهاییانه دهرمه-کایه ذات همه موجودات است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الهیات مهاییانه تا حدودی وحدت وجودی است. حقیقت همه موجودات یک چیز است و کسی که بودا شود و به اشراق دست یابد میان موجودات هیچ گونه تمایزی نمی‌بیند؛ زیرا موجودات چیزی جز تجلی دهرمه-کایه نیستند. به قولی، آنها کف‌های صابونی هستند که یکی پس از دیگری از بین می‌روند... آن گونه که در توصیف احوال این واصلان گفته شده، نه تنها آنها تمایزی میان موجودات نمی‌بینند؛ بلکه به مقام خود نیز آگاهی ندارند. این مرتبه مشابه مقام فنا در عرفان اسلامی به آن فناء فی الله گفته می‌شود؛ یعنی عدم آگاهی به وحدت.

هر چند به نظر می‌رسد که دهرمه-کایه در فلسفه متأخر مهاییانه امری انتزاعی است؛ اما در نگاه بسیاری از متفکران این مکتب دهرمه-کایه یک مفهوم دینی است که فضایی مانند عشق، شفقت و علم مطلق نسبت به موجودات با آن مرتبط است. به عنوان مثال از جمله صفاتی که به بودا نسبت داده می‌شود علم مطلق است که بنا بر اعتقاد کنزه این صفت نمی‌تواند به بودا تا زمانی که یک انسان و یا حتی در بدن سعادت خود است منسوب شود بلکه این صفت در ساحت دهرمه-کایه معنا می‌یابد.^۲

در سوتره‌های منسوب به یوگاچاره، دهرمه-کایه برابر با «چینی» و در سوتره‌های منسوب به مادهیامیکه برابر با «تهیگی» است. کومارا سوامی مفهوم «تهیگی» را این گونه توضیح می‌دهد: «تهیگی به معنی عدم نیست بلکه به معنی عدم صفات [ثبوتی] است. دهرمه-کایه تهی است همانطور که برهمن "نه اینگونه است" ... آن دقیقاً از عدم تعیین است. در آنجا هیچ چیز وجود ندارد... تهی بودن اشیاء عدم وجود ذاتی آنهاست که در آئین

۱. Thomas, pp.241-242.

1. Conze, Edward, *Buddhism Its Essence & Development*, Munshiram, Manoharal, 2001, p.137.

بودایی اولیه بر آنها تأکید شده است.^۱ مطابق با این تفسیر می‌توان این گونه نتیجه گرفت که دهرمه-کایه زمانی که معادل با تهیگی قرار می‌گیرد امر انتزاعی است. ناگار جونه، مؤسس مکتب مادهیامیکه، دهرمه-کایه بودا را عبارت از تعالیم او می‌داند و از منظر وی هستهٔ اصلی تعالیم او متمرکز بر ماهیت حقیقی اشیاء، یعنی تهیگی، است. مطابق با مکتب مادهیامیکه زمانی که ادراک ذهنی متوقف شود و انسان بتواند تمایز میان عالم و معلوم را از ذهن خود پاک کند و دریابد که ماهیت حقیقی اشیاء تهیگی است، در این صورت دهرمه-کایه متجلی می‌شود. نه تنها در مادهیامیکه بلکه در سنت و جریانه نیز دهرمه-کایه به معنای ذات حقیقت، یا همان تهیگی است.

با توجه به مفهوم دهرمه-کایه در مکتب مادهیامیکه آشکار است که در متون منسوب به این مکتب، دهرمه-کایه هنوز به معنای متافیزیکی آن که اساس موجودات دیگر می‌باشد نیست و همان طور که تحقیقات نشان می‌دهد مفهوم متافیزیکی دهرمه-کایه متعلق به سنت نسبتاً متأخرتر یوگاچاره است. بر طبق مکتب یوگاچاره که قائل به اصالت ذهن می‌باشد، دهرمه-کایه آگاهی پاک بودا است؛ یعنی ماهیت حقیقی بودا که کاملاً از هرگونه تمایزی بدور است و مافوق هرگونه تصور می‌باشد. بنا بر اصول اعتقادی این مکتب پدیده‌های جهان هیچ واقعیتی از خود ندارند و تنها تجلی دهرمه-کایه می‌باشند. دو بدن دیگر بودا به جهت شفقت او از آگاهی پاک بوجود می‌آیند. در بعضی از متون مربوط به یوگاچاره برای دهرمه-کایه متجلی شده، سه صفت ذکر می‌شود: آگاهی یا معرفت^۲، عشق^۳ و اراده.^۴ این سه صفت در دهرمه-کایه واحد است اما در انسان‌ها متمایز می‌شود.^۵

۱. Coomaraswamy Ananda K., *Buddha and the Gospel of Buddhism*, Munshiram Manoharlal, 2003, p.241.

۲. prajñā

۳. Karuṇā

۴. prañidhānabala

۵. Suzuki, *Outline of Mahayana Buddhism*, pp.238-239.

علاوه بر تهیگی در ادبیات مهاییانه مترادف‌های دیگری نیز برای دهرمه-کایه ذکر شده است، از جمله: سوبهاوکایه^۱ یا بدن ذات، تتوه^۲ یا چینی، نیروانا، بُدهی^۳ یا بصیرت، پرجنا معرفت و تتهاگته گربهه یعنی زهدان تتهاگته (=بودا). از میان این عناوین دو مورد تتهاگته گربهه و تتوه در ادبیات یوگاچاره جایگاه خاصی دارد.

دهرمه-کایه و تتهاگته-گربهه

تتهاگته گربهه لقب بودا است، به معنای «چنین رفته» و گربهه به معنای زهدان می‌باشد. این مفهوم در مهاییانه به امکان بوداشدگی دلالت دارد. یعنی هرکس می‌تواند بودا شود. بنا به نظر محققان، مفهوم اولیه تتهاگته گربهه هستی‌شناسانه نبود و در دوره بعد به معنای هستی‌شناسانه به کار برده شد. بر طبق متون مهاییانه‌ای همه انسان‌ها از سرشت بودا شدن برخوردارند و تتهاگته گربهه در همه آنها وجود دارد. در متون قدیمی بودایی تتهاگته گربهه به معنای «شفافیت ذاتی ذهن» است؛ یعنی ذهن ذاتا آلوده و ناپاک نیست و ناپاکی بعدا به آن وارد می‌شود. همین پاکی ذاتی باعث می‌شود هرکسی قابلیت بودا شدن را داشته باشد.^۴ همان گونه که دهرمه-کایه در تاریخ خود دوره‌ای از تحول و تکامل را پشت سر گذاشته، تتهاگته گربهه نیز همیشه به یک معنا نبوده است. در بعضی از سوتره‌ها، تتهاگته گربهه معادل آتمن^۵ (خود) آمده به خصوص در سوتره مهاپری نیروانه.^۶ البته همسانی آتمن با تتهاگته گربهه، آنگونه که در لنکاوتاره سوتره آمده، شاید به این دلیل باشد که دین بودایی را برای افراد غیر بودائی که مفهومی از آتمن و خود نداشتند نزدیک کند. در لنکاوتاره سوتره، مهماتی^۷ که شخصیت سؤال کننده از بودا است از او سؤال می‌کند که چگونه ذات بودا از تعلیم خود برتر براهمنه‌ها متفاوت است و او پاسخ می‌دهد که بوداهای کمال یافته

۱. Svabhāva-kāya

۲. Tattva

۳. Bodhi

۴. Williams, Paul, *Buddhist Thought*, Routledge, London and New York, 2000, p.163.

۵. Ātman

۶. Ibid.

۷. Mahāmāti

ذات بودا را تهی، نیروانا، غیر مخلوق و بی نشان تعلیم دادند؛ اما چون می‌خواهند افراد خام، از وحشت ناخود (عدم خود) رها شوند، ذات بودا را به گونه‌ای توصیف کردند که افراد مبتدی که به خود وابسته هستند، به روشنگری و اشراق هدایت شوند.^۱

شاید اولین بار سوترهٔ شری مالادویسیمهنادا^۲ بود که تنهاگته گربه را معادل دهرمه - کایه یعنی عالی‌ترین بدن بودا قرار داد. در تفاوت میان تنهاگته گربه و دهرمه - کایه گفته شده که تنهاگته گربه نامی است که به انسان‌های به اشراق نرسیده داده می‌شود؛ در حالی که دهرمه - کایه بودا، بی آغاز، خلق نشده، ابدی و دوراز مرگ می‌باشد.^۳ از این رو، می‌توان گفت که تنهاگته گربه مطابق با تعالیم مکتب یوگاچاره آگاهی ناخالصی است که در همهٔ انسان‌ها وجود دارد پس امری ذهنی است که اگرچه تجلی دهرمه - کایه است، اما از ناپاکی‌ها به کلی به دور نیست و هنوز به اشراق نرسیده است. بر همین اساس اسنگه در تفسیر خود از میتریه - بودهی ستوه، از دو چنینی سخن می‌گوید: «چنینی ناخالص و چنین پاک. چنینی ناخالص، تنهاگته گربه است و چنینی پاک دهرمه - کایه».^۴

دهرمه - کایه و نیروانا

یکی از مفاهیم دیگری که به نحوی به دهرمه - کایه مرتبط می‌شود مفهوم نیروانا است. در سوترهٔ ویجنانه ماتره میان چهار نوع نیروانا تمایز قائل شده که نوع اول آن مترادف با دهرمه - کایه است یعنی حضور ذات پاک و مطلق در همهٔ موجودات؛ به بیان دیگر هر فردی صاحب نیروانا است.^۵ همچنین نیروانا به جهت چهار صفت ازلی بودن، سعادت‌مندی، عمل آزاد و پاک و خالص بودن با دهرمه - کایه یکی دانسته شده است.^۶

۱. Thurman, Robert A.F., "Tathāgata-Garbha", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1987, vol.14, p.355.

۲. Śrīmālādevīsīmhanāda

۳. Maitreya - bodhisattva

۴. Williams, Paul, *Mahāyāna Buddhism*, Routledge, London and New York, 2009, p.110.

۵. Radhakrishnan, S., *Indian Philosophy*, New York and London, 1958, vol.1, p.642.

۶. Suzuki, *Outline of Mahayana Buddhism*, p.347.

تا زمانی که دهرمه-کایه یک حقیقت مطلق و دور از تصور باشد، هیچ گونه معرفتی نسبت به آن صورت نخواهد گرفت و فرایند نجات مسکوت خواهد ماند. بنابراین دهرمه-کایه باید متجلی شود تا راه بودا شدن و رسیدن به معرفت را به همه بیاموزد. به همین جهت دهرمه-کایه، خود را به صورت بوداها، چه در قالب بدن سعادت و چه در قالب بدن زمینی و خاکی متجلی می‌سازد. اولین تلاش برای تشخیص بخشیدن به دهرمه-کایه مفهوم آدی بودا^۱ بود. اما او به عنوان علت نخستین، خدای ازلی، برتر از همه موجودات و مقدم بر همه بوداها دارای مفهوم متافیزیکی است که به تجربه در نمی‌آید. به همین جهت لازم آمد تا عمل نجات جهان به واسطه بوداهای گذشته و حال و آینده صورت گیرد.

مکاتب بودایی هر کدام برای فراهم کردن راه نجات، بودایی را به عنوان تجلی دهرمه-کایه معرفی می‌کنند. در مکاتب بودایی چینی و ژاپنی غالباً بودایی به نام سمانتیه بهادره^۲ و ویروچنه^۳ تجلی دهرمه-کایه به‌شمار می‌روند. اما در آئین تانترا^۴ بودایی که یکی از آئین‌های متأخر بودایی و مبتنی بر یک سری اعتقادات و اعمال سری است، سرتاسر جهان به عنوان تجلی دهرمه-کایه بودا می‌باشد.

البته تجلی حقیقت متعال در صورت‌های جسمانی تنها به آئین بودا مربوط نمی‌شود و در بسیاری از ادیان مانند دین هندویی و مسیحیت از تجلی حقیقت سخن گفته شده است؛ اما وجه تمایز دین بودایی این است که بنابر آنچه که در بعضی از سوتره‌ها آمده و یا متفکران این آئین بدان پرداخته‌اند، تجلی بودا بر افراد برحسب مراتب آنها می‌باشد. البته این بدان معنی نیست که دهرمه-کایه خود را هر طور بخواهد بر افراد متجلی می‌سازد؛ بلکه صورت تجلی برحسب معرفت و بصیرت افراد می‌باشد. همان گونه که در بهگود گیتا، کریشنا صورت واقعی خود را به أرجونا نشان می‌دهد، در آئین بودا نیز مراتب عالی تجلی متعلق به بودهی ستوه‌ها و کسانی که از معرفت بالایی برخوردارند می‌باشد. در اوتمسکه سوتره در این رابطه چنین آمده است: «همان گونه که نور خورشید ابتدا به کوه‌های بالاتر و

۱. Adibuddha

۲. samāntabhādra

۳. varicana

۴. Tantara

سپس به کوه‌های پایین‌تر و سپس به دشت‌ها و سطح زمین می‌تابد... تنهاگته نیز پرتو خود را ابتدا بر بوده‌ی ستوه‌ها و مهاستوه‌ها^۱ که در میان بقیه عالی‌ترین هستند می‌تاباند، سپس بر نیدانه‌بوداها و شراوکه‌ها و بعد بر موجوداتی که دارای فضیلت و خوبی هستند و نهایتاً به همهٔ موجودات فانی. این نور، کلی است و هرچیزی را بدون تعصب روشن می‌کند، با این حال به جهت این که موجودات متنوع‌اند، نور تنهاگته هم توسط آنها گوناگون دریافت می‌شود»^۲.

بنابراین تجلی دهرمه-کایه برای همه یکسان نیست و هر کس به اندازهٔ معرفت و استعداد خود از تجلی آن برخوردار خواهد شد. بوده‌ی ستوه‌ها، که صاحب مرتبه عالی معرفت هستند، از سمبهوگا-کایه و شراوکه‌ها از نیرمانه-کایه بهره‌مند هستند. اصطلاح رویه-کایه اشاره به تجلی دهرمه-کایه به صورت‌های سمبهوگا-کایه و نیرمانه-کایه دارد. کالبد دوم بودا کالبد سعادت اوست که در مقام تجلی از مرتبهٔ پایین‌تر از دهرمه‌کایه قرار دارد.

کالبد سعادت (سمبهوگا-کایه)

سمبهوگا-کایه، تجلی دهرمه-کایه برای ساکنان بهشت یعنی بوده‌ی ستوه‌ها و کسانی است که به حقیقت و سعادت دست یافته‌اند. سمبهوگا-کایه تنها یک بودا نیست؛ بلکه تعداد زیادی بودا در بهشت و به بیانی در سرزمین پاک می‌باشند که به آنها صفاتی مانند علم مطلق، حضور مطلق و قدرت مطلق در جهان علی و معلولی نسبت داده شده است. به همین لحاظ می‌توان گفت که بوداهای ساکن در بهشت با ایشورهٔ دین برهمنی که صاحب چنین صفاتی می‌باشد، قابل مقایسه هستند.

اگرچه در بیشتر تحقیقاتی که راجع به سمبهوگا-کایه انجام شده این کالبد، کالبد یک بودا است؛ اما گفته شده از لحاظ زمانی اولین کسی که برای او بدن سعادت یا سمبهوگا-کایه توصیف شده یک بودا نیست و یک بوده‌ی ستوه است؛^۳ یعنی اولوکیتا.^۱

۱. Mahāsattva

۲. Suzuki, *Outline of Mahayana Buddhism*, p.227.

1. Vallée Poussin, I. Dela, "Adibuddh", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1981, vol.1, p.98.

سمبهوگا-کایه بدن سعادت و خوشی است که تعالیم بودا را در بهشت تعلیم می‌دهد. ظاهراً پیروان مکتب مهاییانه برای این که برای تعالیم خود منشا الهی و آسمانی بیابند آن را به تعالیم کالبد سعادت منسوب می‌کنند. این کالبد از آنجا که منشا لذت بوده‌ی ستوها می‌باشد، کالبد لذت و سعادت خوانده شده است.

در بحث از زمان ظهور سمبهوگا-کایه تحقیقاتی انجام شده است. به نظر می‌رسد که سمبهوگا-کایه در نظریات مکتب مهاسمگیکه^۲ ریشه دارد. مطابق با نظر این مکتب، بودای واقعی در دنیای انسانی زندگی نکرد و همیشه در بهشت توشیتا^۳ بسر برد و تنها نیرمانه-کایه یا بدن خیالی بودا بود که به زمین آمد. بنا بر نظر این مکتب، بودای واقعی صورت نامحدود ازلی دارد و این صورت نتیجه اعمال خوب گذشته او است که پاک و بی نهایت درخشان است.^۴ این مفهوم در حقیقت نمونه سمبهوگا-کایه مهاییانه است.

بودای متون مهاسمگیکه یک موجود مافوق انسانی است و با هیچ چیز در جهان مادی قابل مقایسه نیست. اعمال روحانی او فوق دنیوی است و حتی اعمال جسمانی او مثل خوردن و راه رفتن مافوق طبیعی هستند. دهان او بوی نیلوفر آبی می‌دهد؛ ولی او دندان‌هایش را مسواک می‌کند. بدن او در تماس با خورشید و باران نیست؛ اما او لباس می‌پوشد. او بیمار نمی‌شود؛ ولی برای درمان خود دارو می‌گیرد. هیچ وجه اشتراکی میان او و موجودات مادی نیست. او متعالی است.

برای کالبد سعادت بودا در متون مهاییانه ویژگی‌هایی جسمانی ذکر شده است. اگرچه کالبد سعادت، جسمانی است؛ ولی تنها برای کسانی که به سعادت بهشت رفتن دست یافته‌اند قابل مشاهده است. مطابق با تعالیم متونی که از این کالبد سخن گفته‌اند، این کالبد سی و دو نشانه دارد. اشوه گهوشه بدن سعادت را بدنی نامحدود می‌داند که مستقیماً از ذهن دهرمه-کایه بیرون می‌آید.^۵

۱. Avālokita

۲. Mahāsamghika

۳. Tuṣṭita

۴. Dube N. *Cross In Early Buddhism*, Manoharal, 1980, pp.139-140.

۵. Suzuki, *Outline of Mahayana Buddhism*, p.258.

همچنان که در بعضی از سنت‌های مکتب مه‌ایانه دهرمه-کایه به جنبه‌های متمایزی تقسیم شده سمبهوگا-کایه نیز به دو جنبهٔ متمایز تقسیم شده است. وسوبندو کالبد سعادت را به دو جنبهٔ متمایز تقسیم کرده است: ۱. کالبدی که بودا برای بهره رساندن به خود آن را متجلی ساخت، ۲. کالبدی که بودا برای بهره رساندن به بودهی ستوه‌ها آن را آشکار کرد. کالبد سعادت از آن لحاظ که متعلق به بودی ستوه‌ها می‌باشد، دارای نیروی شگفت‌انگیزی است و تمام تردیدهای بودهی ستوه‌ها را نسبت به حقیقت حل می‌کند.^۱

با توجه به ویژگی‌هایی که برای کالبد سعادت ذکر شد می‌توان نتیجه گرفت که آن واسطهٔ میان کالبد قانون و کالبد زمینی و تجسم‌یافته بودا می‌باشد. او به یک مفهوم مانند دهرمه-کایه روحانی است و برای همه قابل مشاهده نیست؛ ولی در عین حال دارای محدودیت‌های مادی می‌باشد و صورت معین دارد. مفهوم سمبهوگا-کایه به نظر مفهوم مبهم می‌آید. آن از یک طرف دارای ویژگی‌های جسمانی است و از طرفی دیگر صفاتی غیرمادی بدان نسبت داده می‌شود. همچنین تقسیم‌بندی دو جنبه‌ای از سمبهوگا-کایه به دور از ابهام نمی‌باشد. سوزوکی در بررسی‌های خود، علاوه بر این که سمبهوگا-کایه را با فرشته‌شناسی از دیدگاه مسیحیت مقایسه می‌کند، نظر متفکران امروزی مکتب مه‌ایانه را نیز راجع به این کالبد بیان می‌دارد. به نظر او مه‌ایانه‌ای‌های امروزی زیاد به این جنبه از کالبد بودا اهمیت نمی‌دهند و آن را محصول ذهن تصویرپرداز انسان می‌دانند. از نظر آنها رفتن بودائیان به بهشت پس از مرگشان بی‌معنا است و این گونه مفاهیم مادی‌گرایانه را اهان‌ت‌آمیز می‌دانند؛ زیرا یک روح به اشراق رسیده، از این مادیات هیچ استفاده‌ای نمی‌تواند بکند.^۲

بنا بر بعضی از تحقیقات انجام شده سمبهوگا-کایه با ایده سرزمین پاک^۳ ارتباط دارد. بر این اساس، بودائیان در تفسیر خود از سرزمین پاک، فرضیه کالبد‌های لذت را که به واسطه اعمال گذشته خود در این سرزمین به سر می‌برند، ایجاد کردند.^۴

2. Ibid.

1. Suzuki, *Outline of Mahayana Buddhism*, p.269.

2. Pure Land

۴. Keenan, P. John, "Pure Land Systematics in India", *Pacific World Journal*, no.3, Fall 1987, p.29.

کالبد خاکی (نیرمانه-کایه)

در سوتره‌یی به نام سورواناپربنا^۱ در مورد نیرمانه-کایه این گونه آمده است که: «تتهاگته زمانی که در مرحله ریاضت بود، اعمال اخلاقی گوناگونی را انجام داد. او نهایتاً به کمال رسید و به واسطه شایستگی‌هایش به نیروی معنوی شگفت‌انگیزی دست یافت. این نیرو او را قادر ساخت تا به افکار و اعمال موجودات پاسخ‌گو باشد. او کاملاً آنها را می‌فهمید و فرصت پاسخ‌گویی به آنها را از دست نداد و خود را در جای درست و لحظه درست متجلی می‌ساخت تا به درستی عمل کند. او برای این منظور صورت‌های جسمانی گوناگونی به خود گرفت. این صورت‌های جسمانی نیرمانه-کایه تتهاگته نامیده می‌شوند.»^۲

سومین کالبد بودا که می‌توان گفت در مکتب مهاییانه نسبت به دو کالبد قبلی از ارزش کمتری برخوردار است، کالبد زمینی و خیالی اوست که به آن نیرمانه-کایه می‌گویند. این کالبد صورت خیالی بودا برای هدایت کسانی است که از مرتبه معرفت پایینی بهره‌مند می‌باشند و از آنجا که آنها به اشراق دست نیافته‌اند، بودا با این کالبد خود را متجسم می‌سازد تا تعالیم لازم را به این طبقه از انسان‌ها بدهد. این کالبد نیز به مانند سمبھوگا-کایه در حقیقت تجسم عشق و شفقت بودا نسبت به کسانی است که پرده نادانی و جهل چشم بصیرت آنها را پوشانده است و نسبت به حقیقت کور می‌باشند.

نیرمانه-کایه که بدن استحال یافته بودا می‌باشد، در حقیقت همان بودای تاریخی است که در زمانی خاص به دنیا آمد، خانه را ترک کرد، ریاضت کشیده، به اشراق دست یافت، شاگردانی را به دور خود جمع کرد و تعلیم داد و نهایتاً مانند انسان‌های دیگر مرد. بودا با این کالبد و در مدت حیات جسمانی خود راه نجات را برای دیگران هموار کرد. لنگاوتاره به این کالبد، کالبد ارادی بودا می‌گوید که بخشی از طرح نجات جهانی اوست.^۳ دیدگاه مکتب مهاییانه نسبت به بودا شکیه مونی به گونه‌ای متفاوت از مکتب تهرواده می‌باشد. در حالی که از دیدگاه پیروان تهرواده بودا شکیه مونی انسان واقعی است، از دیدگاه مکتب مهاییانه او صرفاً خیال یا وهم بوده است. با وجود فرض متوهم بودن جهان از دیدگاه مکتب

۱. Survānāprabhā

۲. Suzuki, *Outline of Mahayna Buddhism*, p.256.

۳. Suzuki D.T. *Introduction to The Lankāvatāra Sūtra*, Dehli, 1999, p.xvii.

مهایانه، چگونه می‌توان تصور کرد که شخصیت بودای تاریخی وجود حقیقی داشته باشد؟ به همین دلیل سنت‌های مکتب مهاییانه به این کالبد از بودا به اندازهٔ مکتب تهرواده اهمیت نمی‌دهند. بودا شاکیه مونی چیزی جز تجلی دهرمه-کایه نیست؛ بنابراین او هرگز متولد نشده و هرگز نمرده است. در واقع کالبد جسمانی او یک حقیقت استحاله یافته بود که پس از مرگ وجه ظاهری خود را از دست داد و کاملاً روحانی شد.

پیروان مکتب مهاییانه بخصوص پیروان یوگاچاره قدمی فراتر گذاشته‌اند و نه تنها بودا شاکیه مونی را تجلی دهرمه-کایه؛ بلکه کالبد‌های خیالی تجلی یافتهٔ زیادی برای دهرمه-کایه قائل می‌شوند تا به این طریق میان دین بودایی با ادیان دیگر ارتباط برقرار کنند. به این معنا بودائیان عقیده دارند که مسیح نیز تجلی دهرمه-کایه در صورت انسان است که ذاتاً متفاوت از شاکیه مونی نمی‌باشد. سوزوکی در تأیید این مطلب می‌نویسد: «دهرمه-کایه خود را به صورت شاکیه مونی برای ذهن هندی متجلی کرد؛ زیرا با نیازهای آنها هماهنگ بود و در شخص مسیح در مرتبهٔ سامی ظاهر شد؛ زیرا با ذهن آنها تناسب داشت».^۱ این آموزه حتی قدمی فراتر می‌نهد و نشان می‌دهد که شیاطین، حیوانات، خدایان، پرستش اجداد و طبیعت تجلی دهرمه-کایه هستند که تجلی آن در این صورت‌ها پاسخ‌گوی نیازهای مردم در اعصار مختلف بوده است. بنابراین از نظر این گروه، هر شخصیت دینی و اسطوره‌ای در ادیان غیر بودایی تجلی دهرمه-کایه است. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل پیشرفت مکتب مهاییانه بودایی در سرزمین‌های غیربومی خود همین آموزهٔ سه کالبد بودا بوده است.

هرچند در این مقاله بحث تری‌کایه تا حدی در دو مکتب یوگاچاره و مادهیامیکه به عنوان دو مکتب فلسفی بزرگ مهاییانه مورد بررسی قرار گرفت؛ اما باید توجه داشت که این آموزه در بسیاری از مکاتب منسوب به مکتب مهاییانه وجود دارد که هر کدام بر اساس دیدگاه عقیدتی منحصر به خود تفسیر خاصی از آن دارند.

نتیجه

اصل اعتقادی سه کالبد که به عنوان یکی از اصول اعتقادی مکتب مهاییانه بودایی شناخته می‌شود، اگرچه اساساً در این مکتب و به خصوص در دوران متأخر آن گسترش یافت و در

2. Suzuki, *Outline of Mahayna Buddhism*, p.259.

سنت‌های مختلف صورت‌های جدیدی پیدا کرد؛ اما صورت اولیه این آموزه به نحوی ریشه در سنت قدیمی بودایی؛ یعنی سنت تهرواده دارد. این آموزه در دوران متأخر از معنا و مفهوم اولیه خود منحرف شد و به عنوان یک اصل مابعدالطبیعی مورد توجه قرار گرفت. در این معنا، این آموزه با تعالیم خود بودا که ظاهراً خالی از هرگونه مفهوم مابعدالطبیعی است، تفاوت دارد. شاید یکی از دلایلی که باعث شد متفکران متأخر مه‌ایانه اصل‌تری-کایه را در یک مفهوم متافیزیکی به کار برند، این بود که وجهی آسمانی و الهی برای دین بودایی ایجاد کنند و از این طریق بتوانند با ادیان دیگر ارتباط برقرار کنند. دهرمه-کایه که صورت ممتاز کالبد بودا است، در حقیقت همان حقیقت متعالی و ازلی ادیان دیگر است که همه موجودات تجلی آن حقیقت می‌باشند. این گونه، آئین بودا به ودانته و مکاتب عرفانی ادیان دیگر نزدیک می‌شود. صورت عرفانی و وحدت وجودی این آموزه بخصوص از طریق مکتب یوگاچاره و متفکران آن ارائه شده است. دهرمه-کایه به بسیاری از مفاهیم کلیدی مکتب مه‌ایانه، که آنها نیز به نحوی به همان حقیقت متعالی اشاره می‌کنند، نزدیک می‌شود و با آنها یکی می‌گردد. تمامی این مفاهیم مانند نیروانا، تتهاگته گریهه، چنینی و تهیگی بیانگر این مطلب است که بارزترین مشخصه مکتب مه‌ایانه وارد کردن آئین بودا به یک بعد مابعدالطبیعی است. همچنین این آموزه نجات را برای همه فراهم می‌سازد. از طریق این دو تحول در آئین بودایی؛ یعنی وارد کردن مفهوم مابعدالطبیعی و وعده نجات همگانی، این آئین توانست در سرزمین‌های غیربودایی گسترش یابد.

منابع

- Conze, Edward, *Buddhist Texts*, Harpper and Row, New York and London, 1964.
- Idem, *Buddhism Its Essence and Development*, Munshiram, Manoharal, 2001.
- Coomaraswamy, Anarda K. *Buddha and The Gospel of Buddhism*, Munshiram Manoharlal, 2003.
- Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, Cambridge, 1932.
- de Bary, Theodore, Wm. *Sources of Indian Tradition*, Columbia, New York, 1987.
- Dubes, N., *Cross in Early Buddhism*, Manoharal, 1980.
- Fischer-Schreiber, Ingrid, "Trikāya", *The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion*, Shambhala, Boston, 1994.
- Geden, A. S. "Buddha", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), New York, 1981.

- Gi. T. And F. E. R., "Buddhism", *The New Encyclopedia Britannica*, Jacob, Safra(ed.), Chicago, London, 1768.
- Humphreys, Christmas, *The Wisdom of Buddhism*, Curzon, 1990.
- Harris, Elizabeth J. *What Buddhist Believe*, Oxford, 1998.
- Keenan, P. John, *Pure Land Systematics in India*, Pacific World Journal, Number 3, Fall 1987.
- Makransky, John J., "Buddhahood and Buddha Bodies", *Encyclopedia Buddhism*, Robert E. Buswell(ed.), USA, 2003.
- Mipham, Jamgön, *Introduction to the Middle Way*, Padmakara Translation Group, Shambhala, Boston and London, 2004.
- Parrinder, Geoffrey, "Triads", *Encyclopedia of Religion*, Mircea, Eliade (ed.) New York, 1987, vol.15.
- Prebish, Charles and Keown, Damien, *Introduction to Buddhism*, Routledge, New York and London, 2006.
- Radhakrishnan S. *Indian Philosophy*, New York and London, 1958.
- Reynolds, Frank E. And Hallisey, Charles, "Buddhahood", *Encyclopedia of Religion*, Mircea, Eliade (ed.), New York, 1987.
- Reynolds, Frank E. And Hallisey, Charles, "Buddha", *Encyclopedia of Religion*, Jones Lindsay(ed.), USA, 1954.
- Schlachet, Joshua, Evan, *Emergent Spiritual Purpose, Evolution and Design*, 2006.
- Stcherbatsky T. H., *The Conception of Buddhism Nirvana*, Dehli, 1977.
- Suzuki D. T. *Outline of Mahayana Buddhism*, Munshiram Manoharlal, 2000.
- Idem, *Introduction to the Lankāvatāra Sūtra*, Dehli, 1999.
- Thomas, Edward J., *The History of Buddhist Thought*, Mineola, New York, 1869.
- Thurman, Robert A. F., "Tathāgata Garbha", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James, Hastings (ed.), New York, 1981.
- Idem, "Tathāgata-Garbha", *Encyclopedia of Religion*, Mircea, Eliade(ed.), New York, 1987.
- Vallée Poussin, I. Dela, "Adibuddh", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James, Hastings (ed.), New York, 1981.
- Williams, Paul, *Mahāyāna Buddhism*, Routledge, London and New York, 2009.
- Idem, *Buddhist Thought*, Routledge, London and New York, 2000.
- Xing, Guang, *The Concept of Buddha*, Routledge Corzon, 2005.